

## اعتبارات خرد، توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی: مورد مطالعه شهرستان نهاوند

مرضیه فراشی، مهدی رحیمیان\* و سعید غلامرضایی<sup>۱</sup>

(دریافت: ۹۶/۰۳/۲۷؛ پذیرش: ۹۶/۰۷/۳۰)

### چکیده

هدف از انجام این تحقیق بررسی اثرات نحوه مصرف اعتبارات خرد بر توانمندی و یا ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از زنان در شهرستان نهاوند بود که طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ هجری شمسی از تسهیلات اعتبارات خرد استفاده کرده‌اند. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۱۲۷ نفر تعیین و نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای با انتساب متناسب انجام شد. پایایی و روایی پرسشنامه، به ترتیب با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (بیش‌تر از ۰/۷) و روش اعتبار محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS20 انجام شد. نتایج نشان داد که مصرف اعتبار در زمینه‌های: (۱) پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات (۲) کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان دارویی و باغداری، بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارند؛ اما مصرف اعتبار در زمینه‌ی (۱) قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری (۲) درمان و سلامت، (۳) آموزش خود و فرزندان و (۴) مغازه‌داری رابطه‌ای با توانمندی اجتماعی زنان روستایی ندارد. با توجه به نتایج حاصله، پیشنهاد می‌شود تا بانک‌ها و مؤسسات مالی در شهرستان نهاوند، اعتبارات خرد پرداختی به زنان روستایی را به سمت فعالیت‌هایی هدایت نمایند که ارتباط آن‌ها با توانمندی اجتماعی زنان معنی‌دار شده است.

واژه‌های کلیدی: توانمندی اجتماعی، ناتوانمندی اجتماعی، زنان روستایی، نهاوند.

<sup>۱</sup> به ترتیب، دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد توسعه روستایی و استادیاران گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.  
\* مسئول مکاتبات، پست الکترونیک: mehdi\_rahimian61@yahoo.com

هستند، از این رو توجه به بهبود موقعیت زنان نفع همگانی را در بر دارد. پرورش فرزندان، اداره امور منزل، حفظ محیط زیست، بهره‌وری صحیح از منابع، صرفه‌جویی در انرژی، مباحثی هستند که زنان به‌طور مستقیم با آن مرتبط هستند، پس توانمند بودن و توانمند ساختن زنان در ابعاد مختلف، سبب ترقی جامعه در رسیدن به اهداف توسعه خواهد شد و از طرف دیگر به ترقی و تعالی نیمی از جامعه کمک خواهد کرد (کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱). مانیکوندا (Manikonda, 2014) شاخص توانمندسازی زنان را در قالب فرمولی ارائه کرده است که در آن توانمندسازی زنان از حاصل جمع توانمندی آنان در ابعاد بهداشتی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی به‌دست می‌آید.

توانمندی اجتماعی شامل شاخص‌هایی همچون؛ افزایش آگاهی اجتماعی، افزایش تعامل اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی می‌باشد (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۱). در تعریفی دیگر توانمندسازی اجتماعی عبارت است از دسترسی زنان به مکان‌های اجتماعی و حضور آن‌ها در مراسم مذهبی، داشتن آزادی‌هایی برای تحرک در جامعه (فقیری و همکاران، ۱۳۹۱). توانمندی اجتماعی در واقع نوعی فرایند کنش اجتماعی است که افراد، اجتماعات و سازمان‌ها از خلال آن نوعی سروری و تسلط بر زندگی خود را به‌دست می‌آورند (Peterson & Hughey, 2004) و مشتمل بر سه مؤلفه تحرک اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتمادبه‌نفس است (صدیقی و روستا، ۱۳۸۲). به‌منظور دستیابی به توانمندسازی اجتماعی می‌توان از ابزارهای مختلفی استفاده کرد و اقدامات متعددی را به مرحله اجرا درآورد. بهبود شرایط اقتصادی- اجتماعی و توانمندسازی زنان فقیر را می‌توان از طرق مختلفی چون آموزش زنان، جلوگیری از تبعیض جنسیتی (Gobezie, 2010) و پرداخت اعتبارات خرد به زنان (Skarlatos, 2004) پیگیری نمود. گروه هدف اعتبارات خرد، افراد و خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد و همچنین زنان روستایی را شامل می‌شود. تأمین مالی خرد از یک‌طرف، خدمات اجتماعی و مالی را فراهم می‌کند که به تقویت سرمایه اجتماعی می‌انجامد و از طرف دیگر به‌کارگیری شیوه‌های مناسب آن و نظارت قوی، باعث می‌شود اثربخشی آن در کاهش فقر و محرومیت‌های اجتماعی بیش‌تر شود؛

زنان قلب توسعه اجتماعی - اقتصادی هر ملت می‌باشند (Pereka, 1998). طبق گزارش بانک جهانی، زنان ۵۰ درصد نیروی کار کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهند که در برخی کشورها این میزان نیز به ۷۰ درصد می‌رسد (FAO, 2012)، اما با وجود سهم عظیم زنان روستایی در تولید غذا و رفاه خانواده، آن‌ها دست‌کم گرفته می‌شوند و در راهبردهای توسعه نادیده گرفته می‌شود (Parveen, 2008). زنان به‌عنوان عامل مؤثر در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی و از نظر مشارکت نیروی انسانی مورد نیاز در جامعه نقش مهمی دارند و همواره این نیاز احساس می‌شود که می‌باید در زمینه‌های مختلف توانمند شوند تا از این طریق بتوانند نقش خود را در جامعه بیش‌تر نمایان کنند (Jackson, 2010). توانمندسازی، فرایندی اجتماعی- سیاسی است که شامل تغییر در قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در همه گروه‌های اجتماعی می‌شود که طی آن افراد کنترل بیش‌تری بر زندگی خود داشته و توانایی تصمیم‌گیری را در زندگی خود به دست بیاورند و وضعیت زندگی خود را بهبود بخشند؛ به عبارت دیگر توانمندسازی شامل تغییر در باورها و نگرش‌هاست و به معنای داشتن آگاهی و اعتمادبه‌نفس برای رسیدن به اهداف و توانایی برای به اشتراک گذاشتن دانش و آگاهی با جامعه بزرگ‌تر است (Mara & Rahman et al., 2015). وجه اشتراک اکثر تعاریف توانمندسازی این است که توانمندسازی به معنای تغییر، انتخاب و افزایش قدرت است. توانمندسازی فرآیندی است که به‌وسیله‌ی آن افراد یا گروه‌ها (زنان روستایی) که دارای انتخاب محدود، آزادی و قدرت کم هستند، توانایی خود را به‌وسیله‌ی راه‌هایی که باعث افزایش رفاه، آزادی و حق انتخاب می‌شوند، افزایش می‌دهند (Kuumuori Ganli et al., 2014). امروزه اغلب کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار "توانمندسازی" را کارآمدترین روش یافته‌اند (Parsons, 2001)، به‌طوری که توانمندسازی یکی از مفاهیم اصلی توسعه پایدار بوده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰) و دستیابی به توسعه پایدار بدون توانمندسازی روستاییان امکان‌پذیر نیست (زمانی میاندشتی و همکاران، ۱۳۹۱). زنان قربانیان اصلی در مواردی چون فقر، خشونت، عدم برخورداری از تغذیه و بهداشت مناسب

به کار گرفته شده در کشورهای مختلف این پدیده دارای اثرات و پیامدهای توانمندسازانه‌ی اجتماعی بوده است. یافته‌های مطالعه مودالیار و ماتور ( Mudaliar & Mathur, 2015) در پنجاب هند نشان داد که اعتبارات خرد نه تنها به‌طور قابل توجهی موجب افزایش درآمد زنان می‌شود، بلکه به‌طور منظم عادت به پس‌انداز را در میان زنان توسعه داده است. این اعتبارات علاوه بر افزایش توانمندسازی اجتماعی و روانی زنان، آن‌ها را قادر به شرکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده و در نتیجه توانمندسازی اقتصادی، می‌سازد. کوموری و همکاران (Kuumuori et al., 2014) بر این باورند که برخی از زنان از طریق دسترسی به اعتبارات خرد توانمند شده، اما برخی دیگر که کنترل کم‌تری بر استفاده از وام‌ها داشته‌اند، وضعیتشان بهتر نشده است. کاتو و کراتزر (Kato & Kratzer, 2013)، در تانزانیا به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی‌داری از نظر کسب درآمد و افزایش درآمد بین زنان عضو و غیر عضو در مؤسسات اعتباری خرد وجود دارد. از نظر مطالعه هوک و ایتوهارا (Hoque & Itohara, 2009) اگرچه صندوق‌های اعتبارات خرد در بنگلادش در زمینه‌ی توانمندسازی زنان موفق بوده‌اند، اما توانمندی آن‌ها تنها به بعد اقتصادی محدود شده و از ابعاد توانمندی اجتماعی، سیاسی و خانوادگی غافل بوده است. رحمان و همکاران ( Rahman et al., 2009) با مطالعه دو گروه افراد عضو و غیر عضو صندوق اعتبارات به این نتیجه رسیدند که اعتبارات خرد نتوانسته است زنان روستایی را توانمند سازد؛ زیرا توانمندی هر دو گروه تقریباً در یک سطح بوده و تفاوت معنی‌داری در میزان توانمندی آن‌ها دیده نمی‌شود. نتیجه تحقیق پیت و همکاران (Pitt et al., 2003) در بنگلادش نشان می‌دهد که حداقل تأثیر مثبت برنامه‌های اعتباری خرد انتشار اطلاعات بین اعضای عضو صندوق است. مشارکت در برنامه‌های اعتباری باعث افزایش توانمندسازی زنان و ایفای نقش پر رنگ‌تر در تصمیمات خانواده است. همچنین دسترسی بیشتر به منابع مالی، عضویت در شبکه اجتماعی بزرگ‌تر و آزادی و تحرک بیش‌تر از دیگر اثرات این برنامه‌هاست. مایوکس (Mayoux, 2001) در بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان و اعتبارات خرد در کامرون، به این نتیجه رسید که

(حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵). این عنصر اجازه می‌دهد تا زنان برای افزایش منابع پولی و غیر پولی از جمله سرمایه‌گذاری، استفاده از زمین، فراگیری کسب و کار، تهیه مواد غذایی، مراقبت‌های پزشکی و نیازهای خانواده به‌صورت برابر با مردان فعالیت کنند (UNFPA, 2011). اعتبارات خرد با توانمند ساختن زنان سبب افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود، به‌گونه‌ای که ساختارهای اجتماعی منفی را از هم می‌پاشد و زنان قادر به داشتن ظرفیت و قابلیت شده و نیز حق لازم برای ورود به عرصه تصمیم‌گیری و عمل را به دست می‌آورند. این فرآیند، مستلزم تغییر وضعیت زنان و حرکت به سوی مشارکت استراتژیک اجتماعی یا به عبارتی افزایش قدرت در سطح اجتماعی است (Malhotra, 2004). در دهه‌ی گذشته در ایران و در شهرستان نهاوند واقع در استان همدان نیز مؤسسات مالی و اعتباری، وام‌های کوچک خود را با هدف ایجاد اشتغال و توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان فقیر به این گروه از اقشار آسیب‌پذیر جامعه پرداخت کرده‌اند. اعتبارات پرداختی توانسته است از طریق ایجاد مشاغل کوچک و زودبازده مانند قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری، کشت زعفران و گیاهان دارویی، پرورش قارچ، پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون و مغازه‌داری برای زنان فقیر و حتی خانواده‌هایشان، کسب درآمد و ایجاد اشتغال نماید؛ اما در این بین به دلایلی چون نظارت ضعیف نهادهای پرداخت کننده بر نحوه‌ی مصرف و کمبود آموزش‌های لازم در خصوص نحوه‌ی صحیح مصرف این اعتبارات به دریافت کنندگان و شاید ناآگاهی قشر مخاطب بخش زیادی از این اعتبارات در محل‌هایی مصرف می‌شود که به‌جای توانمندی اجتماعی زنان فقیر، ناتوانمندی اجتماعی آنان را به دنبال داشته است و پیامدهای آن بدهکاری زنان و عدم توانایی بازپرداخت اعتبارات به نهادهای پرداخت کننده می‌باشد. در این زمینه شناسایی محل مصرف و علل این پدیده می‌تواند در بازنگری، اصلاح و بهبود طرح پرداخت اعتبارات خرد مؤثر باشد. از این‌رو هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی رابطه‌ی بین نحوه مصرف اعتبارات خرد بر توانمندسازی یا ناتوانمندی اجتماعی زنان فقیر روستایی در شهرستان نهاوند می‌باشد. نتایج تحقیقات مرتبط با نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی حاکی از آن است که بر اساس استراتژی‌های

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی در زندگی زنان روستایی تأثیر گذاشته است و بیشترین اثربخشی در ابعاد اجتماعی و بهداشتی بوده است.

نتایج اکثر این مطالعات حاکی از تأثیرات مثبت اعتبارات خرد در توانمندسازی اجتماعی زنان فقیر است. اگرچه تحقیقاتی را نیز می‌توان یافت که به اثرات منفی اعتبارات خرد بر توانمندسازی اجتماعی زنان اشاره کرده باشد. با احتمال فراوان اگر زنان روستایی اعتبارات خرد را در مسیرهای اشتغال‌زا به‌کارگیرند، توانمندی اجتماعی آنان را در پی خواهد داشت؛ اما اگر این اعتبارات در مواردی خارج از اهداف از پیش تعیین شده برای آنها صرف شوند، ممکن است منجر به ناتوانمندی اجتماعی بیشتر این گروه آسیب‌پذیر گردد. به همین دلیل، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در این تحقیق سعی بر آن است تا با شناخت مسیرهای سرمایه‌گذاری و نحوه‌ی مصرف اعتبارات خرد توسط زنان روستایی، رابطه‌ی بین درصد مصرف اعتبارات در هر مسیر و سطح توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی ایجاد شده، بررسی شود.

بر اساس چارچوب مفهومی طراحی شده در این تحقیق (نگاره ۱) در صورتی که اعتبارات خرد در فعالیت‌های توانمندساز شامل؛ ۱) قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری، ۲) درمان و سلامت، ۳) کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان دارویی، باغداری، ۴) پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات، ۵) آموزش خود و فرزندان و ۶) مغازه‌داری مصرف شود، به توانمندی اجتماعی زنان فقیر کمک خواهد نمود. توانمندی اجتماعی نیز از طریق مؤلفه‌های  $g_1$  تا  $g_9$  قابل سنجش است.

همچنین بر اساس این مدل فرض بر این است که اگر اعتبارات خرد در مسیر فعالیت‌های غیر توانمندساز مانند؛ ۱) ازدواج فرزندان، ۲) سرمایه‌گذاری در بانک، ۳) خرید لوازم منزل، ۴) واگذار کردن اعتبار به همسر، ۵) انجام سفرهای زیارتی، ۶) تعمیر یا ساخت مسکن، ۷) خرید طلا هزینه شود، ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی را در پی خواهد داشت. ناتوانمندی اجتماعی نیز از طریق مؤلفه‌های  $k_1$  تا  $k_8$  سنجیده می‌شود.

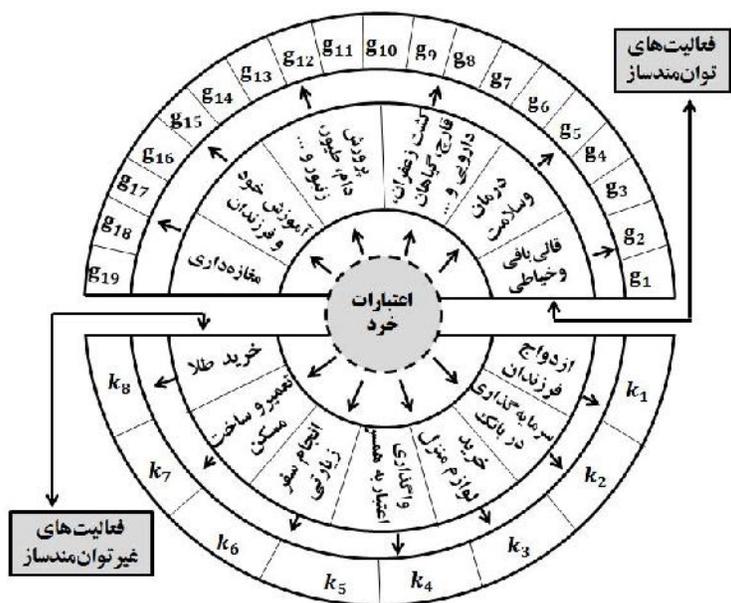
بهبود کیفیت زندگی (قدرت خرید، سطح بهداشت و...)  $g_1 =$  افزایش قدرت تأثیرگذاری اجتماعی بر نزدیکان و گروه‌ها  $g_2 =$

برنامه‌های اعتبارات خرد و تقویت سرمایه اجتماعی به‌طور مستقیم و معناداری در توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی تأثیر دارد.

یافته‌های پژوهش امینی و طاهری (۱۳۹۵) حاکی از سهم ناچیز زنان در انجام و توسعه فعالیت‌های اقتصادی است. اگرچه این وضعیت در رابطه با فعالیت‌های مختلف متفاوت است. از میان متغیرهای مورد بررسی دو متغیر عوامل محیطی و وضعیت درآمد خانوار، تأثیر معنی‌داری بر سطح فعالیت‌های اقتصادی زنان دارند. از نظر این تحقیق هیچ نهاد و سازمانی متولی به فعلیت رساندن توانمندی‌های زنان در جامعه نبوده و اندک بهره‌برداری ناچیزی که در این زمینه صورت می‌گیرد در درون خود خانوارها انجام می‌شود. منفرد (۱۳۹۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که متغیرهای سواد زنان، درآمد زنان، میزان دسترسی آنان به رسانه‌ها و شرکت در کلاس‌های آموزشی از عوامل تأثیرگذار بر میزان آگاهی اجتماعی- فرهنگی زنان روستایی می‌باشد. این محقق پیشنهاد می‌دهد که با ایجاد مشاغل درآمدزا، گسترش و حمایت از تشکلهای مردمی زنان، تعاونی‌ها و گروه‌های یاری‌گر، تأسیس مراکز فنی و حرفه‌ای برای زنان و دختران روستایی، تشویق مردان روستایی به سهیم کردن زنان در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد تشکلهای اجتماعی زنان می‌تواند به افزایش آگاهی زنان روستایی کمک نمود. از دیدگاه علیائی و دهقان نیستانی (۱۳۹۱)، هر چه توانمندی زنان بالاتر رود، قدرت اقتصادی خانواده افزایش می‌یابد و از طرفی دیگر قدرت اجتماعی آنان در سطح جامعه و خانواده بیشتر می‌گردد. تعدادی از زنان به دلیل عدم بازپرداخت وام در موعد مقرر مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند و وضعیتشان بدتر شده است. از نظر بریمانی و همکاران (۱۳۹۱)، اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است و گروهی از زنان که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی (اعتماد به نفس) نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند. مداحی (۱۳۹۰)، در بررسی اثربخشی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در چهار استان خراسان رضوی، کرمانشاه، مازندران و هرمزگان در ایران به این نتیجه رسیده است که صندوق‌های خرد زنان روستایی در ابعاد مختلف

$g_{16}$  = مشارکت در تشکل‌های زنان (صندوق‌های قرض‌الحسنه، خیریه‌ها)  
 افزایش قدرت تصمیم‌گیری و اختیارات در امور خانواده  $g_{17}$   
 استفاده از فن‌آوری‌های ارتباطی (اینترنت و شبکه‌های اجتماعی)  $g_{18}$   
 افزایش میزان آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوه‌ی خود  $g_{19}$   
 از دست دادن اعتبار نزد مسئولین نهادها و مؤسسات مالی  $k_1$   
 طرد شدن از گروه‌های اجتماعی  $k_2$   
 کاهش اعتمادبه‌نفس و ایجاد فشارهای روحی  $k_3$   
 از دست دادن اعتماد دوستان و اطرافیان  $k_4$   
 افزایش استرس و نگرانی از بازپرداخت وام  $k_5$   
 مشاجره و نزاع با ضامن به دلیل عدم بازپرداخت اقساط  $k_6$   
 ایجاد سرخوردگی و سرافکنندگی در بین اعضای خانواده  $k_7$   
 ایجاد اختلافات خانوادگی و از هم پاشیدن بنیان خانواده  $k_8$

افزایش رضایت‌مندی از زندگی و نهادهای دولتی  $g_3$   
 افزایش آزادی در تصمیم‌گیری، بیان عقاید و  $g_4$   
 بهبود نگرش مردم نسبت به توانایی‌های زنان و اعتماد به آنان  $g_5$   
 افزایش روحیه کار و تلاش زنان در فعالیتهای تولیدی  $g_6$   
 کاهش شکاف جنسیتی در جامعه  $g_7$   
 گسترش خلاقیت و ابتکار در سرمایه‌گذاری  $g_8$   
 افزایش قدرت ریسک‌پذیری در سرمایه‌گذاری  $g_9$   
 بهره‌مندی از حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی  $g_{10}$   
 بهبود مهارت‌های اجتماعی (نحوه‌ی تعامل با افراد و نهادهای دولتی)  $g_{11}$   
 افزایش عزت نفس و احساس خودباوری  $g_{12}$   
 افزایش مشارکت در فعالیتهای آموزشی برگزار شده  $g_{13}$   
 مشارکت در مراسم‌های اجتماعی (آیینی و مذهبی و جشن‌ها)  $g_{14}$   
 افزایش مشارکت سیاسی (حضور در انتخابات و احزاب سیاسی)  $g_{15}$



نگاره ۱- چارچوب مفهومی تحقیق

بر اساس مدل مفهومی طراحی شده می‌توان فرضیه‌های تحقیق را به صورت زیر ارائه نمود:

- ۱- مصرف وام در فعالیتهای توانمندساز همانند (۱) پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات، (۲) کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان دارویی، باغداری، (۳) مغازه‌داری، (۴) قالی‌بافی، خیاطی، فعالیتهای هنری، (۵) درمان و سلامت فرد و (۶) آموزش خود و فرزندان بر توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی تأثیرگذار است.
- ۲- مصرف وام در مصارف غیر توانمندساز چون (۱) واگذار کردن اعتبار به همسر، (۲) ازدواج فرزندان، (۳) خرید لوازم منزل، (۴) تعمیر یا ساخت مسکن، (۵) خرید طلا، (۶) سرمایه‌گذاری در بانک و (۷) انجام سفرهای زیارتی بر ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی اثر می‌گذارد.

### روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر جمع‌آوری اطلاعات، از نوع مطالعات پیمایشی و با توجه به تحلیل داده‌ها، از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان روستایی شهرستان نهاوند بوده است که طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ از سازمان‌ها و نهادهای اعتباری، اعتبار خرد دریافت کرده که جمعاً ۲۰۰ نفر بودند (جدول ۱).

حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۱۲۷ نفر تعیین شد، اما در نهایت، تعداد ۱۳۰ پرسش‌نامه در میان زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبار توزیع و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای با انتساب متناسب انجام شد. بدین گونه که متناسب با تعداد دریافت‌کنندگان وام در هر بخش از شهرستان نهاوند، درصد انتخاب نمونه از هر بخش مشخص گردید (جدول ۲). سپس در هر بخش نمونه‌ها به‌طور تصادفی ساده انتخاب و اطلاعات لازم از آن‌ها کسب گردید.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های لازم، پرسشنامه‌ی محقق ساخت مشتمل بر ویژگی‌های فردی (سن، وضعیت درآمدی، سطح تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، شغل)، اطلاعات در

خصوص اعتبار دریافتی (مبلغ کل اعتبار دریافتی، منبع دریافت اعتبار، مقدار مصرف اعتبار در هر یک از زمینه‌های توانمندساز و غیر توانمندساز) بود. همچنین بخش انتهایی پرسشنامه مربوط به سنجش میزان توانمندی اجتماعی (۱۹ گویه) و ناتوانمندی اجتماعی (۸ گویه) بود که در قالب طیف لیکرت در یک دامنه شش قسمتی از صفر تا ۵ (اصلاً، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) سنجیده شد. در خصوص متغیر وابسته تحقیق یعنی مقدار مصرف اعتبار در هر یک از زمینه‌های توانمندساز و غیر توانمندساز لازم به توضیح است که از هر فرد مقدار مصرف وام در هر یک از موارد ۱۳ موارد (چه توانمندساز و چه غیر توانمندساز) مورد پرسش قرار گرفت سپس با پرسیدن مبلغ کل وام از هر فرد، درصد مصرف وام در هر یک از زمینه‌ها به تفکیک و در مجموع، درصد مصرف اعتبار در هر یک از زمینه‌های توانمندساز و غیر توانمندساز محاسبه شد. به طوری که اگر فردی وام دریافتی خود را در دو یا چند زمینه‌ی توانمندساز و یا غیر توانمندساز مصرف کرده باشد، درصد مصرف در هر زمینه را بتوان تعیین نمود.

در این مطالعه، جهت حصول اطمینان از اعتبار یا روایی محتوایی پرسشنامه، سوالات، گویه‌ها و طیف مورد استفاده به افراد صاحب‌نظر در رابطه با موضوع مورد مطالعه (۳ نفر از اساتید رشته‌ی توسعه روستایی دانشگاه لرستان و ۳ نفر از کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان نهاوند) ارائه گردید. تعداد ۳۰ پرسشنامه جهت انجام پیش‌آزمون در شهرستان خرم‌آباد توزیع و تکمیل گردید. پایایی پرسش‌نامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در بین پرسش‌نامه توزیع شده در پیش‌آزمون به دست آمد. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای تمامی مقیاس‌ها بیش‌تر از ۰/۷ به دست آمد. بدین ترتیب پایایی پرسشنامه‌ها نیز از این طریق مورد تأیید قرار گرفت (جدول ۳).

برای تحلیل داده‌ها و دستیابی به اهداف مطالعه، از آمارهای توصیفی و استنباطی (تحلیل رگرسیون) در محیط نرم‌افزار SPSS<sub>20</sub> استفاده شد.

جدول ۱- توزیع جامعه آماری برحسب منبع دریافت وام

ردیف	منبع دریافت وام	فراوانی	درصد
۱	جهاد کشاورزی	۴۰	۲۰
۲	بسیج سازندگی	۲۴	۱۲
۳	مؤسسه خیریه	۴۶	۲۳
۴	کمیته امداد	۳۲	۱۶
۵	تعاونی فرش بافان	۱۸	۹
۶	میراث فرهنگی	۱۸	۹
۷	صندوق مهر امام رضا (ع)	۲۲	۱۱
	جمع کل	۱۳۰	۱۰۰

جدول ۲- بخش‌های انتخاب شده در نمونه‌گیری، توزیع درصد و تعداد نمونه از حجم نمونه کل در هر بخش

ردیف	بخش	تعداد وام‌گیرندگان در هر بخش	درصد وام‌گیرندگان در هر بخش	درصد از کل نمونه	تعداد نمونه
۱	مرکزی	۶۸	۳۴	۳۴	۴۵
۲	خزل	۱۸	۶	۶	۸
۳	زرین‌دشت	۳۲	۱۶	۱۶	۲۲
۴	گیان	۵۲	۲۶	۲۶	۳۵
۵	برزول	۳۰	۱۵	۱۵	۲۰
	جمع	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۳۰

جدول ۳- مقدار ضریب آلفای کرونیباخ محاسبه شده برای مقیاس‌های مورد مطالعه

مقیاس	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونیباخ
توانمندی اجتماعی زنان روستایی	۱۹	۰/۹۱۱
توانمندی اجتماعی زنان روستایی	۸	۰/۸۸۳

## یافته‌ها و بحث

### توصیف ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه

بر اساس نتایج توصیفی ارائه شده در جداول ۴ و ۵، ۷۲ درصد زنان مورد مطالعه، متأهل بودند. مابقی نیز به دلایل عدم ازدواج (۷/۷ درصد)، طلاق (۱۳/۸ درصد) و فوت همسر (۶/۵ درصد) مجرد بودند. دامنه سنی زنان بین ۲۶ تا ۷۰ و میانگین سنی آنان ۴۴/۴ سال بود. بیش‌تر این زنان (۴۲/۳ درصد) در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند. دامنه تغییرات تعداد افراد خانوار پاسخگویان بین ۱ تا ۱۲ نفر و میانگین آنان نیز، ۴/۲ نفر بود. از نظر سطح تحصیلات، ۸/۵ درصد از زنان بی‌سواد بودند. سطح سواد ۲۰/۸ درصد آنان در حد خواندن و نوشتن، ۵۵/۴ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دیپلم بودند. ضمن اینکه ۱۵/۴ درصد زنان دارای مدارک دانشگاهی و ۲۶/۲ درصد از کل زنان مورد مطالعه سرپرست خانوار بودند. بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۵/۴

درصد) خانه‌دار و مابقی دارای مشاغل دامداری (۸/۵ درصد)، مغازه‌داری (۱۲/۳ درصد)، خیاطی (۶/۲ درصد)، کشاورزی (۹/۲ درصد) و قالی‌بافی (۸/۵ درصد) بودند. دامنه تغییرات درآمد شخصی زنان بین صفر تا ۳۰ میلیون تومان در سال و میانگین درآمد آنان نیز حدود ۵ میلیون تومان در سال بود. حدود نیمی از زنان (۵۰/۸ درصد) هیچ درآمدی نداشتند. همچنین ۵۰ درصد از زنان مورد مطالعه تا به حال در هیچ دوره آموزشی در زمینه‌ی نحوه‌ی مصرف وام شرکت نکرده بودند و ۳۳/۸ درصد آنان ۱ دوره، ۸/۵ درصد ۲ دوره و ۷/۷ درصد نیز ۳ دوره آموزشی را در این خصوص گذرانده بودند. این کلاس‌ها در خصوص آموزش خیاطی، قالی‌بافی و گلیم‌بافی، مشاغل هنری و کشاورزی برگزار شده بودند، ۳۹/۲ درصد از زنان در هیچ‌کدام از انجمن‌ها و تشکل‌های روستایی عضو نبودند. همچنین ۳۵/۴ درصد آنان فقط در یک تشکل و ۲۵/۴ درصد نیز در دو و بیش‌تر از دو انجمن عضو بودند.

## اعتبارات خرد، توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی: ...

پاسخگویان بین ۱ تا ۲۰ میلیون تومان و میانگین آنان نیز، حدود ۶ میلیون تومان بود.

بر اساس نتایج آمار توصیفی (نمودار ۱)، ۲۶/۲ درصد از زنان کل مبلغ وام دریافتی را در مصارف توانمندساز و ۳۰/۹ درصد نیز کل وام را در مصارف غیر توانمندساز خرج کرده بودند. همچنین ۴۳/۹ درصد دیگر وام خود را هم در مصارف توانمندساز و هم مصارف غیر توانمندساز خرج کرده بودند.

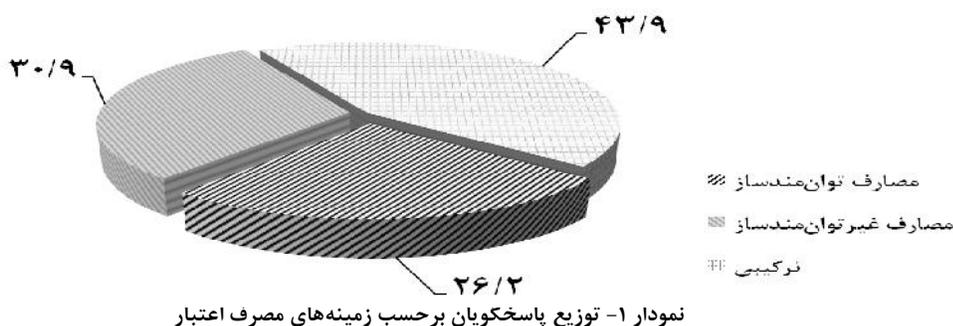
۵۶/۲ درصد پاسخگویان تحت حمایت مالی هیچ نهاد و سازمانی نبودند؛ اما ۳۵/۴ درصد آنان تحت پوشش نهاد دولتی کمیته امداد و ۸/۵ درصد نیز تحت پوشش مؤسسات خیریه غیردولتی بودند. منبع دریافت اطلاع در مورد وام برای ۴۰/۸ درصد پاسخگویان از طریق اقوام بود، ۲۴/۶ درصد از همسایگان، ۱۶/۲ درصد از فرزندان، ۶/۹ درصد از تلویزیون یا رادیو و ۱۱/۵ درصد نیز از دوستان در مورد وام اطلاع کسب کرده بودند. دامنه تغییرات مبلغ وام دریافتی

جدول ۴- ویژگی‌های جامعه آماری

متغیر	گروه‌ها	درصد	متغیر	گروه‌ها	درصد
وضعیت تأهل	متأهل	۷۲	تعداد حضور در دوره	عدم حضور	۵۰
	ازدواج نکرده	۷/۷	آموزشی در زمینه‌ی	یک دوره	۳۳/۸
	طلاق	۱۳/۸	نحوه‌ی مصرف وام	دو دوره	۸/۵
	فوت همسر	۶/۵		سه دوره	۷/۷
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۸/۵	عضویت در انجمن‌ها و تشکل‌های روستایی	عدم عضویت	۳۹/۲
	خواندن و نوشتن	۲۰/۸		یک انجمن	۳۵/۴
	ابتدایی	۲۰/۸	بیش‌تر از دو انجمن	۲۵/۴	
شغل	راهنمایی	۱۳/۱	دریافت حمایت مالی از سوی نهادها و سازمان‌ها	عدم حمایت	۵۶/۲
	دیپلم	۲۱/۵		کمیته امداد	۳۵/۴
	مدارک دانشگاهی	۱۵/۴		مؤسسات خیریه غیردولتی	۸/۵
وضعیت شغل	خانه‌دار	۵۵/۴	منبع دریافت اطلاع در مورد وام	اقوام	۴۰/۸
	دامداری	۸/۵		همسایگان	۲۴/۶
	مغازه‌داری	۱۲/۳		فرزندان	۱۶/۲
	خیاطی	۶/۲	تلویزیون یا رادیو	۶/۹	
	کشاورزی	۹/۲	دوستان	۱۱/۵	
	قالی‌بافی	۸/۵			

جدول ۵- ادامه ویژگی‌های جامعه آماری

متغیر (واحد)	سن (سال)	بعد خانوار (نفر)	درآمد فردی سالانه (میلیون تومان)	میزان وام دریافتی (میلیون تومان)
میانگین	۴۴/۴	۴/۲	۵	۶
دامنه	۲۶ - ۷۰	۱ - ۱۲	۰ - ۳۰	۱ - ۲۰
گروه اکثریت	۴۰ - ۵۰	۳ - ۶	بدون درآمد	۴ - ۸



بیشترین میانگین درصد مصرف وام در بین مصارف غیر توانمندساز به ترتیب مربوط به (۱) واگذار کردن اعتبار به همسر (۹/۱۰ درصد)، (۲) ازدواج فرزندان (۸/۳۰ درصد)، (۳) خرید لوازم منزل (۷/۹۸ درصد)، (۴) تعمیر یا ساخت مسکن (۷/۴۱ درصد)، (۵) خرید طلا (۶/۴۱ درصد)، (۶) سرمایه‌گذاری در بانک (۳/۴۷ درصد) و (۷) انجام سفرهای زیارتی (۰/۵۵ درصد) بود (نمودار ۳).

a<sub>1</sub> = ازدواج فرزندان

a<sub>2</sub> = سرمایه‌گذاری در بانک

a<sub>3</sub> = خرید لوازم منزل

a<sub>4</sub> = واگذار کردن اعتبار به همسر

a<sub>5</sub> = انجام سفرهای زیارتی

a<sub>6</sub> = تعمیر یا ساخت مسکن

a<sub>7</sub> = خرید طلا

طبق نتایج، بیشترین میانگین درصد مصرف وام در بین مصارف توانمندساز به ترتیب مربوط به (۱) پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات، (۱۴/۰۱ درصد) (۲) کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان دارویی، باغداری (۱۳/۰۴ درصد)، (۳) مغازه‌داری (۱۱/۴۳ درصد) (۴) قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری (۱۰/۸۳ درصد) و (۵) درمان و سلامت (۵/۹۲ درصد) (۶) آموزش خود و فرزندان (۲/۱۰ درصد) بود (نمودار ۲).

S<sub>1</sub> = قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری

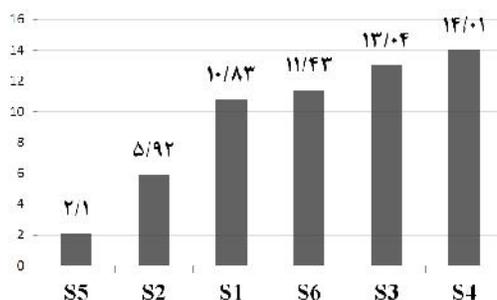
S<sub>2</sub> = درمان و سلامت

S<sub>3</sub> = کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان دارویی، باغداری

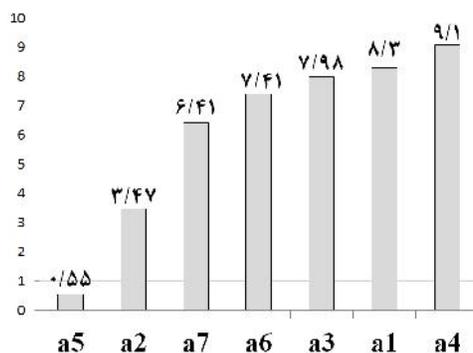
S<sub>4</sub> = پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات

S<sub>5</sub> = آموزش خود و فرزندان

S<sub>6</sub> = مغازه‌داری



نمودار ۲- توزیع پاسخگویان برحسب درصد مصرف وام در فعالیت‌های توانمندساز



نمودار ۳- توزیع پاسخگویان برحسب درصد مصرف وام در فعالیت‌های غیرتوانمندساز

## اعتبارات خرد، توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی: ...

مقادیر سطوح معنی‌داری (sig)، مصرف اعتبار در زمینه‌های؛ (۱) پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات، (۲) کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان دارویی، باغداری بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارند؛ اما مصرف اعتبار در زمینه‌های؛ (۱) قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری، (۲) درمان و سلامت (۳) آموزش خود و فرزندان و (۴) مغازه‌داری رابطه‌ای با توانمندی اجتماعی زنان روستایی ندارد.

(ب) رابطه بین درصد وام مصرف شده در زمینه‌ی غیر توانمندساز و میزان ناتوانمندی اجتماعی زنان

نتایج تحلیل هفت رگرسیون انجام شده برای بررسی رابطه بین هفت مورد مصرف غیر توانمندساز با میزان ناتوانمندی اجتماعی در جدول ۷ ارائه شده است. بر اساس مقادیر سطوح معنی‌داری (sig)، ارتباط بین واگذار کردن اعتبار به همسر با ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی مستقیم و معنی‌داری است؛ اما مصرف اعتبار در زمینه‌های؛ (۱) ازدواج فرزندان، (۲) سرمایه‌گذاری در بانک، (۳) خرید لوازم منزل، (۴) انجام سفرهای زیارتی، (۵) تعمیر یا ساخت مسکن و (۶) خرید طلا، تأثیر معنی‌داری بر ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی ندارد.

بررسی رابطه‌ی بین درصد وام مصرف شده در هر یک از زمینه‌ها و میزان توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی زنان در این تحقیق از زنان روستایی خواسته شد تا مشخص نمایند که کل وام دریافتی خود را در چه مورد و یا مواردی (۶ مورد توانمندساز و ۷ مورد غیر توانمندساز) مصرف کرده‌اند. همچنین از آن‌ها خواسته شد تا مقدار مصرف را در هر مورد یا موارد نیز مشخص نمایند. سپس، با داشتن مبلغ کل وام، درصد مصرف وام در هر ۱۳ مورد برای هر کدام از زنان دریافت‌کننده وام محاسبه گردید. برای اندازه‌گیری تأثیر درصد مصرف وام در هر یک از موارد توانمندساز بر توانمندی اجتماعی و همچنین تأثیر درصد مصرف وام در هر یک از موارد غیر توانمندساز بر ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی از آزمون تحلیل رگرسیون دو متغیره به روش Enter استفاده شد. بدین معنی که ارتباط بین هر مورد مصرف با میزان توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی جداگانه مورد بررسی قرار گرفت.

(الف) رابطه بین درصد وام مصرف شده در زمینه‌های توانمندساز و میزان توانمندی اجتماعی

نتایج تحلیل شش رگرسیون انجام شده برای بررسی رابطه بین شش مورد مصرف توانمندساز با میزان توانمندی اجتماعی زنان روستایی در جدول ۶ ارائه شده است. بر اساس

جدول ۶- میزان تأثیر متغیرهای اثرگذار بر توانمندی اجتماعی زنان

عنوان متغیر	ضرایب (B)	خطای معیار	ضرایب استاندارد ( )	t آماره	F	R <sub>Adj</sub>	sig
X <sub>1</sub> : قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری	-۰/۰۲۷	۰/۰۶۷	-۰/۰۳۵	-۰/۳۷۹ <sup>n.s</sup>	۰/۱۵۷	-۰/۰۰۷	۰/۶۹۲
X <sub>2</sub> : درمان و سلامت	۰/۰۰۳	۰/۰۹۲	۰/۰۰۳	۰/۰۳۴ <sup>n.s</sup>	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۸	۰/۹۳۷
X <sub>3</sub> : کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان ...	۰/۱۴۹	۰/۰۵۸	۰/۲۲۳	۲/۵۶۶*	۶/۵۸۳	۰/۰۴۲	۰/۰۱۱
X <sub>4</sub> : پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات	۰/۱۵۵	۰/۰۵۵	۰/۲۴۲	۲/۸۰۴**	۷/۸۶۴	۰/۰۵۱	۰/۰۰۶
X <sub>5</sub> : آموزش خود و فرزندان	-۰/۰۲۶	۰/۱۸۷	-۰/۰۱۳	-۰/۱۴۱ <sup>n.s</sup>	۰/۰۲۰	-۰/۰۰۸	۰/۸۸۸
X <sub>6</sub> : مغازه‌داری	۰/۱۱۰	۰/۰۵۹	۰/۱۶۳	۱/۸۵۶ <sup>n.s</sup>	۳/۴۴۴	۰/۰۱۹	۰/۰۶۶

جدول ۷- میزان تأثیر متغیرهای اثرگذار بر ناتوانمندی اجتماعی

عنوان متغیر	ضرایب (B)	خطای معیار	ضرایب استاندارد ( )	t آماره	F	R <sub>Adj</sub>	sig
X <sub>1</sub> : ازدواج فرزندان	۰/۰۱۴	۰/۰۲۲	۰/۰۵۶	۰/۶۳۱ <sup>n.s</sup>	۰/۳۹۸	-۰/۰۰۵	۰/۵۲۹
X <sub>2</sub> : سرمایه‌گذاری در بانک	۰/۰۱۳	۰/۰۵۴	۰/۰۲۱	۰/۲۴۲ <sup>n.s</sup>	۰/۰۵۸	-۰/۰۰۷	۰/۸۰۹
X <sub>3</sub> : خرید لوازم منزل	۰/۰۱۱	۰/۰۲۶	۰/۰۳۶	۰/۴۰۶ <sup>n.s</sup>	۰/۱۶۵	-۰/۰۰۷	۰/۶۸۶
X <sub>4</sub> : واگذار کردن اعتبار به همسر	۰/۰۵۶	۰/۰۲۴	۰/۲۰۳	۲/۳۴۶*	۵/۵۰۵	۰/۰۳۴	۰/۰۲۰
X <sub>5</sub> : انجام سفرهای زیارتی	۰/۰۹۷	۰/۱۳۷	۰/۰۶۳	۰/۷۱۲ <sup>n.s</sup>	۰/۵۰۷	-۰/۰۰۴	۰/۴۷۸
X <sub>6</sub> : تعمیر یا ساخت مسکن	۰/۰۳۵	۰/۰۲۳	۰/۱۳۰	۱/۴۷۹ <sup>n.s</sup>	۲/۱۸۸	۰/۰۰۹	۰/۱۴۲
X <sub>7</sub> : خرید طلا	۰/۰۲۳	۰/۰۳۰	۰/۰۶۹	۰/۷۷۸ <sup>n.s</sup>	۰/۶۰۶	-۰/۰۰۳	۰/۴۳۸

(ج) رابطه بین درصد وام مصرف شده در برخی از موارد توانمندساز و میزان ناتوانمندی اجتماعی در این بخش برای پاسخ به این سؤال که آیا برخی از موارد توانمندساز که در بخش الف تأثیری بر توانمندی زنان نداشتند (متغیرهای  $X_1, X_2, X_5, X_6$ )، تأثیری بر ناتوانمندی اجتماعی آنان دارند یا خیر؟ بین هرکدام از این چهار متغیر و ناتوانمندی اجتماعی به طور جداگانه آزمون رگرسیون گرفته شد. نتایج این تحلیل‌ها که در جدول ۹ ارائه شده است، نشان داد که انجام سفرهای زیارتی و خرید طلا منجر به توانمندی اجتماعی زنان روستایی می‌شود. ولی مصرف اعتبار در زمینه‌های؛ (۱) ازدواج فرزندان، (۲) سرمایه‌گذاری در بانک، (۳) خرید لوازم منزل و (۴) تعمیر یا ساخت مسکن تأثیر معناداری بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی ندارد. (ه) رابطه بین مبلغ کل وام دریافتی و توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی

جهت بررسی میزان تأثیر مبلغ کل وام دریافتی بر توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی، از آزمون تحلیل رگرسیون استفاده شد. بر اساس نتایج این آزمون و با توجه به مقادیر سطوح معنی‌داری (sig)، رابطه معناداری بین مبلغ کل وام و توانمندی اجتماعی زنان روستایی وجود دارد (جدول ۱۰). بدین معنا که هرچه مبلغ وام بالاتر باشد میزان توانمندی اجتماعی زنان روستایی بیش‌تر می‌شود.

توانمندساز و میزان ناتوانمندی اجتماعی در این بخش برای پاسخ به این سؤال که آیا برخی از موارد توانمندساز که در بخش الف تأثیری بر توانمندی زنان نداشتند (متغیرهای  $X_1, X_2, X_5, X_6$ )، تأثیری بر ناتوانمندی اجتماعی آنان دارند یا خیر؟ بین هرکدام از این چهار متغیر و ناتوانمندی اجتماعی به طور جداگانه آزمون رگرسیون گرفته شد. نتایج این تحلیل‌ها که در جدول ۸ ارائه شده است، نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین چهار مورد مصرف توانمندساز با میزان ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی وجود ندارد. بدین معنی که مصرف اعتبار در زمینه‌های؛ (۱) قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری، (۲) درمان و سلامت، (۳) آموزش خود و فرزندان و (۴) مغازه‌داری، علاوه بر این‌که منجر به توانمندی اجتماعی زنان روستایی نمی‌گردد، موجب ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی نیز نخواهد شد.

(د) رابطه بین درصد وام مصرف شده در برخی از موارد غیر توانمندساز و میزان توانمندی اجتماعی در این بخش نیز برای پاسخ به این سؤال که آیا برخی از موارد غیر توانمندساز که در بخش (ب) تأثیری بر ناتوانمندی اجتماعی زنان نداشتند (متغیرهای  $X_1, X_2, X_3$ )

جدول ۸- میزان تأثیر متغیرهای اثرگذار بر ناتوانمندی اجتماعی

عنوان متغیر	ضرایب (B)	خطای معیار	ضرایب استاندارد ( )	t آماره	F	R <sub>Adj</sub>	sig
X <sub>1</sub> : قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری	-۰/۰۱۵	۰/۰۲۱	-۰/۰۶۲	-۰/۷۰۷ <sup>n.s</sup>	۰/۴۹۹	-۰/۰۰۴	۰/۴۸۱
X <sub>2</sub> : درمان و سلامت	۰/۰۲۷	۰/۰۲۸	۰/۰۸۵	۰/۹۶۷ <sup>n.s</sup>	۰/۹۳۶	۰/۰۰۰	۰/۳۲۵
X <sub>5</sub> : آموزش خود و فرزندان	-۰/۰۲۷	۰/۰۵۶	-۰/۰۴۲	-۰/۴۷۶ <sup>n.s</sup>	۰/۲۲۷	-۰/۰۰۶	۰/۶۳۵
X <sub>6</sub> : مغازه‌داری	-۰/۰۳۰	۰/۰۱۸	-۰/۱۴۲	-۱/۶۲۰ <sup>n.s</sup>	۲/۶۲۳	۰/۰۱۲	۰/۱۰۸

جدول ۹- میزان تأثیر متغیرهای اثرگذار بر توانمندی اجتماعی

عنوان متغیر	ضرایب (B)	خطای معیار	ضرایب استاندارد ( )	t آماره	F	R <sub>Adj</sub>	sig
X <sub>1</sub> : ازدواج فرزندان	-۰/۰۴۶	۰/۰۷۰	-۰/۰۵۸	-۰/۶۵۲ <sup>n.s</sup>	۰/۴۲۵	-۰/۰۰۵	۰/۵۱۶
X <sub>2</sub> : سرمایه‌گذاری در بانک	-۰/۳۴۵	۰/۱۷۷	-۰/۱۷۱	-۱/۹۴۳ <sup>n.s</sup>	۳/۷۷۷	۰/۰۲۱	۰/۰۵۴
X <sub>3</sub> : خرید لوازم منزل	-۰/۱۲۸	۰/۰۸۵	-۰/۱۳۳	-۱/۵۰۴ <sup>n.s</sup>	۲/۶۲۶	۰/۰۱۰	۰/۱۳۵
X <sub>5</sub> : انجام سفرهای زیارتی	-۱/۱۶۸	۰/۴۳۷	۰/۲۳۲	-۲/۶۷۳ <sup>**</sup>	۷/۱۴۵	۰/۰۴۶	۰/۰۰۹
X <sub>6</sub> : تعمیر یا ساخت مسکن	-۰/۰۵۸	۰/۰۷۷	۰/۰۶۷	-۰/۷۵۷ <sup>n.s</sup>	۰/۵۷۳	-۰/۰۰۳	۰/۴۵۱
X <sub>7</sub> : خرید طلا	-۰/۳۲۱	۰/۰۹۳	-۰/۲۹۳	-۳/۴۴۰ <sup>**</sup>	۱۱/۸۳۱	۰/۰۷۹	۰/۰۰۱

جدول ۱۰- رابطه بین مبلغ کل وام دریافتی و توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی

عنوان متغیر	ضرایب (B)	خطای معیار	ضرایب استاندارد ( )	t آماره	F	R <sub>Adj</sub>	sig
C: ضریب ثابت	۵۸/۵۶۹	۳/۴۲۹	---	۱۷/۰۸۱	---	---	۰/۰۰۰**
X <sub>1</sub> : مبلغ کل وام	۸/۵۱۸	۰/۰۰۰	۰/۱۵۸	۱/۷۹۷ <sup>n.s</sup>	۳/۲۲۸	۰/۰۱۷	۰/۰۷۵

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق بین درصد مصرف اعتبار در زمینه‌های توانمندسازی؛ (۱) پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات و (۲) کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان دارویی، باغداری با توانمندی اجتماعی زنان روستایی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. این نتایج با نتایج مطالعات مودالیار و ماتور ( Mudaliar & Mathur, 2015)، مایوکس (Mayox, 2001)، پیت و همکاران (Pitt et al., 2003)، بریمانی و همکاران (۱۳۹۲) هم‌خوانی داشت. همچنین با توجه به ارتباط معکوسی که بین فعالیت صندوق‌های اعتباری و پرداخت اعتبارات خرد به زنان و متغیر سطح توانمندی آنان در مطالعات کوموری (Kuumuori et al., 2014)، رحمان و همکاران ( Rahman et al., 2015) و هوک و ایتاهارا ( Hoque & Itohara, 2009) گزارش شده است، می‌توان اظهار داشت که یافته‌های این بخش از تحقیق با نتایج مطالعات نام‌برده مطابقت نداشت.

نتایج به‌دست‌آمده بخشی از فرضیه اول تحقیق را تأیید می‌کند که مصرف وام در فعالیت‌های توانمندسازی موجب توانمندی اجتماعی زنان فقیر روستایی می‌شود. بدون شک در صورتی که اعتبارات خرد در زمینه‌های تولیدی و اشتغال‌زا مصرف گردد، می‌توان انتظار بهبود وضعیت اقتصادی زنان فقیر و همچنین افزایش رفاه و رضایت از زندگی را که خود از مؤلفه‌های توانمندی اجتماعی است، داشت.

همچنین نتایج نشان داد که مصرف اعتبار در زمینه‌های؛ (۱) قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری، (۲) درمان و سلامت، (۳) آموزش خود و فرزندان و (۴) مغازه‌داری علاوه بر این که رابطه‌ای با توانمندی اجتماعی زنان روستایی ندارد، با ناتوانمندی اجتماعی نیز ارتباطی ندارد. این نتایج

با یافته‌های تحقیقات مطالعات کوموری ( Kuumuori et al., 2014)، رحمان و همکاران (Rahman et al., 2015) و هوک و ایتاهارا (Hoque & Itohara, 2009) مطابقت دارد. احتمالاً دلیل این نتیجه را در می‌توان در این مسأله دانست که فعالیت‌هایی همچون قالی‌بافی و فعالیت‌های هنری در جامعه مورد مطالعه به دلایل مختلف تاکنون جا نیفتاده و کیفیت و قدرت لازم برای توانمندی زنان را ندارند. همچنین در رابطه با این که صرف اعتبار در زمینه‌ی آموزش خود و فرزندان علاوه بر نداشتن رابطه با توانمندی اجتماعی، با ناتوانمندی اجتماعی نیز رابطه ندارد، می‌توان چنین استنباط کرد که توانمندی حاصل از آموزش در درآمد کم‌تر بروز خواهد نمود و با توجه به اینکه فقط دو الی سه سال از زمان پرداخت اعتبارات می‌گذرد توانمندی ناشی از آموزش فرد و یا فرزندان وی اثرات خود را در کوتاه‌مدت نشان نداده باشد. نبود رابطه بین صرف اعتبار در زمینه‌ی مغازه‌داری با توانمندی و نیز ناتوانمندی اجتماعی زنان را می‌توان چنین تفسیر نمود که بیش‌تر زنانی که وام خود را در فعالیت مغازه‌داری صرف کرده بودند، ناچار بودند مدیریت مغازه را به دلایل فرهنگی و اجتماعی منطقه به شوهران و یا فرزندان خود واگذار نمایند (مشاهدات تیم تحقیق در حین گردآوری داده‌ها حاکی از این وضعیت بود). در نتیجه مدیریت و انجام این فعالیت (مغازه‌داری)، غالباً نه به‌وسیله‌ی خود زنان، بلکه توسط اطرافیان نزدیک آنان بوده و تأثیرات مثبت این نوع فعالیت بر اطرافیان زنان بیش‌تر از خود زنان بوده است.

همچنین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش، انجام سفرهای زیارتی و خرید طلا با توانمندی اجتماعی زنان روستایی رابطه دارد. شاید بتوان وجود این رابطه را این‌گونه تحلیل کرد که انجام سفرهای زیارتی (مکه و کربلا) خود سبب افزایش احترام و توجه دیگران به فرد

بر اساس نتایج حاصله در این تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به رابطه معنی‌دار بین مصرف وام در زمینه‌های پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات و همچنین کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان دارویی، باغداری و توانمندی اجتماعی زنان روستایی، پیشنهاد می‌شود؛ بانک‌ها و مؤسسات مالی در شهرستان نهبوند، اعتبارات خرد پرداختی به زنان روستایی را به سمت این‌گونه فعالیت‌ها هدایت نمایند چرا که بر طبق یافته‌های این پژوهش، مصرف اعتبار در این موارد توانمندی اجتماعی زنان را در پی خواهد داشت. این مهم می‌تواند از طریق مشاوره کارشناسان بانک با زنان دریافت‌کننده وام صورت پذیرد.

- با توجه به نبود رابطه بین مصرف اعتبار در زمینه‌ی قالی‌بافی، خیاطی و فعالیت‌های هنری با توانمندی اجتماعی زنان روستایی، پیشنهاد می‌شود؛ تحقیقی در خصوص بررسی دلایل عدم موفقیت فعالیت‌های صنایع دستی و به‌ویژه قالی‌بافی، خیاطی و فعالیت‌های هنری توسط محققان علاقه‌مند انجام شود تا با ریشه‌یابی دلایل این مسأله بتوان به مؤثر بودن مصرف اعتبار در این زمینه‌ها در توانمندی زنان روستایی گام برداشت.

- با توجه به رابطه‌ی معنی‌دار بین مبلغ کل وام و توانمندی اجتماعی زنان روستایی پیشنهاد می‌شود؛ امکان در اختیار قرار دادن مبالغ بیشتر وام به زنان روستایی از طرف بانک‌ها و مؤسسات مالی منطقه مورد مطالعه فراهم گردد. البته این اعتبارات می‌بایست به‌صورت هدفمند در اختیار زنانی قرار گیرد که قابلیت لازم برای مصرف بهینه‌ی وام را داشته باشند، یا این‌که به‌صورت نظارت شده زنان با پتانسیل کم‌تر را به سمت مصرف اعتبار در فعالیت‌های توانمندساز هدایت نمود.

شده و همچنین سبب افزایش تأثیرگذاری اجتماعی و بهبود نگرش دیگران نسبت به فرد شده و در نتیجه نوعی از احساس توانمندی اجتماعی را در بین زنان ایجاد می‌کند. خرید طلا نیز افزون بر موارد ذکر شده، منجر به افزایش عزت‌نفس و احساس خودباوری و آرامش در فرد شده که خود از مؤلفه‌های توانمندی اجتماعی زنان می‌باشد. ولی مصرف اعتبار در زمینه‌های ازدواج فرزندان، سرمایه‌گذاری در بانک، خرید لوازم منزل، تعمیر یا ساخت مسکن، همان‌طور که در چارچوب مفهومی آمده است، رابطه‌ی معناداری با توانمندی اجتماعی زنان روستایی ندارد.

بر اساس نتایج این پژوهش، رابطه معناداری بین مبلغ کل وام و توانمندی اجتماعی زنان روستایی وجود دارد. به این معنا که هر چه مبلغ وام بالاتر باشد، میزان توانمندی اجتماعی زنان روستایی بیشتر می‌شود. این نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش‌های کوموری و همکاران (Kuumuori et al., 2014)، پیت و همکاران (Pitt et al., 2003)، مایوکس (Mayoux, 2001)، بریمانی و همکاران (۱۳۹۱) و مداحی (۱۳۹۰) مطابقت دارد. شاید بتوان دلیل این رابطه را این‌گونه بیان کرد که هر چه مبلغ وام بیشتر باشد احتمال ایجاد مشاغل درآمدزا توسط فرد بیشتر شده و افزایش قدرت ریسک‌پذیری و همچنین سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی که سبب توانمندی فرد می‌شود افزایش می‌یابد که خود منجر به افزایش خلاقیت و ابتکار زنان و همچنین بهبود نگرش افراد نسبت به توانایی‌های زنان می‌شود. همچنین افزایش درآمد ناشی از ایجاد شغل جدید خود سبب افزایش رضایت از زندگی و بهبود کیفیت زندگی فرد می‌شود که در نتیجه توانمندی اجتماعی را برای زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبار در پی خواهند داشت.

## منابع

- امینی، ع. و طاهری، ع. ح. (۱۳۹۵). تحلیلی بر نقش‌پذیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه مناطق روستایی بخش سیمکان در شهرستان جهرم. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۵۱-۳۷.
- بریمانی، ف.، نیک‌منش، ز. و خداوردی، لو، س. (۱۳۹۲). بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال ۱، شماره ۱، صص ۸۲-۶۹.

## اعتبارات خرد، توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی: ...

- حسن‌زاده، ع.، زوجی، ع.، و قویدل، ص. (۱۳۸۵). بررسی آثار اعتبارات خرد: کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی. *مجله اقتصاد اسلامی*، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۴۵-۶۹.
- زمانی میاندشتی، ن.، عطایی، پ.، و ایزدی، ن. (۱۳۹۱). بررسی سطوح و میزان توانمندی در بین اعضای تعاونی زنان روستایی (مورد مطالعه: تعاونی زنان تفیهان شهرستان شیراز). *مجله زن در توسعه و سیاست*، سال ۱، شماره ۴، صص ۱۷۲-۱۵۳.
- صدیقی، ح.، و روستا، ک. (۱۳۸۲). بررسی عوامل تأثیرگذار بر دانش کشاورزی پایدار ذرت کاران نمونه استان فارس. *مجله علوم کشاورزی/ایران*، سال ۳۴، شماره ۴، صص ۹۲۴-۹۱۳.
- علیایی، م. ص.، و دهقان نیستانی، م. (۱۳۹۱). بررسی توانمندی‌های اقتصادی زنان قالیباف تکاب افشار و نقش آنان در توسعه روستایی مطالعه موردی روستاهایی شهرستان تکاب (استان آذربایجان غربی). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۸۱-۶۷.
- فقیری، م.، زرافشانی، ک.، و علی‌بیگی، ا. ح. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. *مجله روستا و توسعه*، سال ۱۷، شماره ۳، صص ۲۲-۱.
- لطیفی، س.، سعدی، ح.، و شعبانعلی‌فمی، ح. (۱۳۹۱). ارزیابی نقش تعاونی‌های دست‌بافت روستایی در توانمندسازی زنان قالیباف، مطالعه موردی: استان همدان. *مجله جغرافیا و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۳۷، صص ۱۳۲-۱۱۹.
- کلدی، ع. ر.، و سلحشوری، پ. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۴، شماره ۴، صص ۲۲-۷.
- مداحی، م. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد در چهار استان خراسان رضوی، کرمانشاه، مازندران و هرمزگان. *توسعه کشاورزی جهاد*، سال ۳۰، شماره ۳۰۱ و ۳۰۲، صص ۹۸-۱۴۰.
- منفرد، ن. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر آگاهی زنان روستایی از وضعیت و حقوق فردی-خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی خود (مورد مطالعه شهرستان دشتستان). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۸۲-۶۷.
- میرزایی، ح.، غفاری، غ. ر.، و کریمی، ع. ر. (۱۳۹۰). توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قروه). *مجله پژوهش‌های روستایی*، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۲۸-۹۹.

- FAO. (2012). UN launches new program to empower rural women and girls. published report by FAO. Available at: <<http://www.fao.org/news/story/en/item/158377/icode/>>.
- Gobezie, G. (2010). Empowerment of women in rural Ethiopia: A review of two microfinance models. *Journal of Human Security*, 3(4), 23-37.
- Hoque, M., and Itohara, Y. (2009). Women empowerment through participation in micro-credit program: A case study from Bangladesh. *Journal of Social Sciences*, 5(3), 244-250.
- Jackson, M. (2010). Empowering women of Nepal: An experience of empowerment in the land of the Himalaya". M.A Thesis, Prescott College in Adventure Education.
- Kato, M.P., and Kratzer, J. (2013). Empowering women through microcredit: Evidence from Tanzania. *ACRN Journal of Entrepreneurship Perspectives*. 2(1), 31-59.
- Kuumuori, J., Kwadwo, G.A., and Alexander, Y. (2014). Microcredit: Empowerment and disempowerment of rural women in Ghana. *World Development*. 66 (3), 335-345.
- Malhotra, M. (2004). Empowerment of rural women. Handbook of empowerment of women labour, pp 1- 315. Available at: <<http://books.google.com/books?isbn=8182050685>>
- Manikonda, R. (2014). Self-help group programme: Level of women empowerment in Andhra Pradesh. *European Academic Research*. 2(7), 9536-9549.
- Mara, J.G., and Jani S.L. (2014). Innovative grassroots NGOS and the complex processes of women's empowerment: An empirical investigation from northern Tanzania". *World Development*, 66(3), 762-777.
- Mayoux, L. (2001). Tackling the down side: Social capital, women's empowerment and micro finance in Cameroon. *Journal of Development and Change*, 32(3), 435-464.
- Mudaliar, A., and Mathur, A. (2015). Women empowerment through microcredit. *Journal of IJAHMS*. 01(2), 58-65.
- Parveen, S. (2008). Access of rural women to productive resources in Bangladesh: A pillar for promoting their empowerment. *International Journal of Rural Studies*, 15(1), 1-8.

- Parsons, R.J. (2001). Specific practice strategies for empowerment based practice with women: A study of two groups Affilia. *Journal of Women and Social Work*, 6(2), 159- 173.
- Paul Kato, M., and Kratzer, J., (2013). Empowering women through microfinance: Evidence from Tanzania. *Journal of Entrepreneurship Perspectives*, 2(1), 31-59.
- Pereka, A.K. (1998). The role of women in rural development in Tanzania. Second Pan Commonwealth Veterinary Conference on Animal Health and Production in Rural Areas, the Essential Role of Women at all Levels. Vol 1. Bangalore, India, p 115.
- Peterson, A., and Hughey, J. (2004). Social cohesion and interpersonal empowerment: Gender as moderator. *Health Education research Theory*, 19(5),533-542.
- Pitt, M., Shahidur, Kh., Choudhury, O., and Millimet, D. (2003). Credit programs for the poor and the health status of children in rural Bangladesh. *International Economic Review*, 44, 87-118.
- Rahman, S. Junankar, P.N., and Mallik, G. (2009). Factors influencing women's empowerment on microcredit borrowers: a case study in Bangladesh. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 14(3), 287-303.
- Skarlatos, K. (2004). Microfinance and women's empowerment: bridging the gap, redesigning the future. Wisconsin Coordinating Council on Nicaragua, Working Paper Series No 1.
- UNFPA (United Nations Population Fund) (2011). Women's empowerment, microfinance and health education. Available at: <<http://www.unfpa.org/publications/exploring-linkages>>.

## **Microcredits: Social Empowering or Disempowering of Rural Women: The Case of Nahavand Township**

**M. Farashi, M. Rahimian\* and S. Gholamrezai<sup>1</sup>**

(Received: Jun 17. 2017; Accepted: Oct. 22. 2017)

### **Abstract**

The impacts of how to use microcredits on social empowering or disempowering of rural women was the purpose of this study. The statistical population consisted of 200 women in Nahavand Township who have received microcredits during 2010- 2014. Sample size was determined according to Krejcie and Morgan Table and 127 individuals were selected based on stratified sampling with proportional assignment. Questionnaire's reliability and validity were confirmed through computing Cronbach's alpha coefficient (more than 0.7) and content validity, respectively. Data was analyzed by SPSS20 software. The results showed that the use of credit in the fields of 1) Livestock, poultry, beekeeping, turkey, fisheries, and 2) Planting of saffron, mushroom and medicinal plants as well as horticulture had a direct and significant effect on the social empowerment of rural women. But, the credit use in the fields of: 1) Carpet weaving, sewing and artistic activities; 2) Treatment and health; 3) Self-education and children training; 4) Shop keeping had no relationship with the social empowerment of rural women. According to the results, it is suggested that microcredits by the banks and other financial institutes have assigned to those activities which has significant relationship with rural women empowerment.

**Keywords:** Social Empowering, Social Non- Empowering, Rural Women, Nahavand.

---

<sup>1</sup> Former M.Sc. Student and Assistant Professors, respectively, Development of Rural Development, College of Agriculture, Lorestan University, Khoramabbad, Iran.

\* Corresponding author, Email: mehdi\_rahimian61@yahoo.com